نام مقاله: جستجوي آثار و متون الگوي كتابخانه‌اي براي آموزش مهارتهاي اطلاع‌يابي

نام نشريه: فصلنامه كتابداري و اطلاع رساني (اين نشريه در www.isc.gov.ir نمايه مي شود)

شماره نشريه: 3 \_ شماره سوم، جلد 1

پديدآور: آليستر داف

مترجم: نفيسه دري‌فر

چكيده

با توجه به رشد سريع و روزافزون اطلاعات، مسأله چگونگي جستجو و بازيابي آن مطرح مي‌گردد. اين مقاله الگويي از جستجوي نظام‌يافته متون را توصيف مي‌كند كه مي‌تواند به عنوان ابزار آموزشي در كسب مهارتهاي اطلاعاتي بكار مي‌رود. طرح پيشنهادي به ترتيب مراحل انجام جستجوي متون را بيان مي‌كند.

1- ساختن مجموعه‌اي از واژه‌هاي جستجو.

2- درست‌كردن يك جمله جستجوي منطقي كه در آن از عملگرهاي بولي و نشانه‌هايي مانند: پرانتز و كوتاه‌سازي مي‌توان استفاده كرد.

3- ارزيابي پارامترهاي جستجو كه در آن وجود پنج محدودگر مكاني، زماني، رشته‌اي و شكلي و زباني ضروري مي‌نمايند.

4- منابع جستجوي اطلاعات كه يكي از اساسي‌ترين آنها فهرست كتابخانه است.

5- ثبت و ارزيابي منابع و مآخذ كه بايد به شكل استاندارد صورت گيرد.

مقدمه

جستجوي آثار و متون[1] موضوع اصلي بسياري از برنامه‌هاي آموزشي مهارتهاي اطلاعاتي است (Molley، 1984، Hustan، 1989). اين مقاله طراحي از جستجوي متون را توصيف مي‌كند كه بطور گسترده به عنوان ابزار آموزشي در سيمنارهاي مهارتهاي اطلاعاتي در محيطي دانشگاهي (كالج و دانشگاه) مورد استفاده قرار مي‌گيرد. اين مُدل به عنوان كمكي براي رفتار اطلاع‌يابي در پژوهش، مثل مرور و نظر اجمالي و جمع‌آوري منابع (يافتن يك منبع مناسب و بررسي مآخذ پاياني آن) كه الگوهايي نسبتاً بي‌قاعده‌اند، به دانشجويان معرفي شده است. الگو شامل تلفيق تعدادي از مفاهيم معيارين از كتابخانه و علم اطلاع‌رساني است. توضيحات زير در زمينه علوم بهداشت مطرح شده است. بهرصورت، از آنجائيكه اين الگو نسبت به بسياري از موارد جستجوي متون در سطح بالاتري از تجريد (انتزاع) عمل مي‌كند، لذا بايد در بيشتر حوزه‌هاي موضوعي و برنامه‌هاي مهارتهاي اطلاعاتي در محيط‌هاي گوناگون قابل اجرا باشد. بايد توجه داشت كه اين الگوي كتابخانه‌اي به آن گونه رفتار اطلاع‌يابي كه كتابخانه را ناديده مي‌گيرد، مثل آنچه كه اصطلاحاً «دانشكده نامرئي[2]» ناميده مي‌شوند، توجهي ندارد.

شكل (1): الگوي كتابخانه‌اي جستجو منابع

الگويي از جستجوي نظام‌يافته آثار و متون

اين الگو بر روي نموداري از مراحل يك جستجوي معمولي متون كه در تصوير (1) نمايانده شده است، تأكيد دارد. جستجو با تعريفي از موضوع (مرحلة 1) آغاز مي‌شود و با ارزيابي مراجع بازيابي شده در جستجو (مرحلة 5) پايان مي‌يابد. نمودار به دو ستون محدود مي‌شود. در سمت چپ يك چارچوب مفهومي وجود دارد كه مراحل گوناگون جستجو را نمايش مي‌دهد. در سمت راست، اين مفاهيم به ابزارها و خدمات مربوط به آنها در كتابخانه ارتباط پيدا مي‌كند. اين تصوير بيشتر بر مفاهيم تأكيد دارد تا ابزارها. اين مفاهيم منعكس‌كنندة جهت فكري در مورد آموزش مهارتهاي اطلاعاتي است (Kobelski، 1981). به دنبال آن تفسيري مي‌آيد كه بوسيلة جستجويي فرضي براي يافتن اطلاعات در زمينه «كيفيت زندگي بيماران شيمي‌درماني» نشان داده شده است. اين تفسير قصد ندارد چيزي بيشر از يك طرح ساده از آنچه كه مي‌توان به يك كلاس دوره كارشناسي انتقال داد، باشد. مفاهيمي كه بويژه از نقطه‌نظر آموزشي مؤثر تشخيص داده شده، غير از عناوين با حروف ايرانيك مورد تأكيد قرار گرفته‌اند.

مرحلة اول: تعيين واژه‌هاي جستجو[3]

اولين مرحلة هر استراتژي جستجو، تعيين مجموعه‌آي از واژه‌هاي جستجو است كه راه دسترسي به آثار و متون را فراهم نمايد. مجموعه واژه‌ها هم بايد آنقدر وسيع باشد تا مآخذ بازيابي شده از جامعيت كافي برخوردار باشد و هم با توجه به انفجار اطلاعات (يعني افزايش تصاعدي مدارك علمي) آنقدر دقيق باشد كه مواد غيرضروري را حذف كند. يك گروه‌بندي مفهومي[4] كه واژه‌ها يا كليدواژه‌ها اعم، اخص و همطراز تقسيم مي‌كند مي‌تواند به تسهيل گذر از اين مرحله ياري رساند. براي مثال، براي كليدواژة «شيمي‌درماني» ممكن است واژه اعم «درمان ضدسرطاني»، واژه اخص «شيمي‌درماني داخل وريدي» و واژه همطراز «دارودرماني» باشد. اين فرآيند بايد با مراجعه و بهره‌گيري از واژه‌نامه‌هاي موضوعي، اصطلاحنامه‌ها و ساير ابزار موجود در بخش مرجع كتابخانه كه مي‌توان آنها را ابزارهاي تعريف‌نما ناميد، همراه باشد.

مرحلة دوم: صورت‌‌بندي عبارتي منطقي براي جستجو[5]

دومين مرحله در جستجوي متون عبارت است از بكاربردن واژه‌هاي متناسب و مربوط به موضوع در يك جمله منطقي براي جستجو. حداقل در مورد جستجوي متون كه به كمك رايانه صورت مي‌گيرد، جمله منطقي به استفادة صحيح از عملگرهاي بولي[6] و نشانه‌هايي همانند پرانتز و كوتاه‌سازي[7] نياز دارد. در اين مرحله ممكن است به خدمات كتابداري متخصص براي تحليل يا تركيب‌بندي عبارت جستجو ضروري باشد. به عنوان مثال، نمونه‌اي از صورت‌بندي عبارت جستجو در پايگاه اطلاعاتي مدلاين، مي‌تواند به ترتيب زير باشد: (كيفيت زندگي) و («شيمي‌درماني» يا «دارودرماني») و («سرطان‌» يا «تومور» يا «بدخيمي»).

براي اطمينال از دقت در استراتژي پيشنهادي به شرح بالا، بايد از واژه‌هاي پذيرفته‌شده اصطلاحنامه (تزار روس) و سرعنوانهاي فرعي آن استفاده شود. بهترين استراتژي جستجو آنست كه زبان طبيعي و زبان مندرج در اصطلاحنامه را با هم تركيب نمايد.

مرحلة سوم: تعيين ديگر محدودگرهاي موضوع

وجود يك جملة جستجوي منطقي و درست تعريف‌شده، ضروري است، اما براي يك استراتژي مؤثر براي جستجو كافي نيست. مرحلة سوم شامل تعيين ديگر محدودگرهاي جستجو است. وجود پنج محدودگر براي اكثر جستجوها ضروري است. محدودگرهاي مكاني[8]، زماني[9]، رشته‌اي[10]، شكلي[11] و زباني[12].

(1) محدودگر مكاني: سفر اكتشافي كه مراحل جستجوي يك متن را تشكيل مي‌دهد، معمولاً با اطلاعات موجود در كشور آغاز خواهد شد. با اين حال، از آنجائيكه آمريكاي شمالي كانون اصلي انفجار اطلاعات باشد، جستجوهايي كه هدف آنها آشنايي با پژوهشهاي مربوطه است، معمولاً بايد از اقيانوس اتلانتيك و شايد ديگر موانع جغرافيايي عبور كند.

(2) محدودگرها زماني: زمان يكي ديگر از محدودگرهاي مهم است. ادغام اطلاعات علمي (شيوه‌اي كه دانش موجود منسوخ شده و يا برپايه دانش گذاشته توسعه مي‌يابد) لازم مي‌داند كه جستجوها متون از جديدترين منابع آغاز شود. بديهي است محدوده زماني تابعي است از طبيعت و سرعت تحولات در موضوع. مثلاً، در مورد موضوعهاي علوم پزشكي كه در آن دانش، عمر كوتاهي دارد، محدوده زماني عبارت است از پنج تا ده سال.

(3) محدودگر رشته‌اي: لازم است حوزه‌هاي موضوعي را كه ممكن است عنوان مورد نظر ما در آنها نيز مورد توجه باشد تعيين كرد. در عصر بين‌رشته‌اي بودن دانش، مشخص كردن محدودة دانش يعني تعيين ارتباط مفهومي بين‌رشته‌ها. اين مورد، همانگونه كه در نگاره‌هاي حاصل از مطالعات كتاب‌سنجي[13] نمايان مي‌شود، همواره دستخوش تحول و تغيير است. بنابراين، جستجوي آثار و متون هميشه نمي‌تواند به يك رشته و حوزه‌اي آشنا محدود شده باشد. مثلاً، به دليل اينكه مرزهاي دانش پزشكي و پرستاري در حال محوشدن است، جستجو اطلاعات مربوط به كيفيت زندگي بيماران شيمي‌درماني هم مستلزم استفاده از منابع پرستاري و هم مستلزم استفاده از منابع پزشكي است. اين احتمال هست كه اين پژوهش مارا به حوزه‌هاي جامعه‌شناسي و فلسفه نيز بكشاند.

(4) محدودگر شكلي: سرانجام بايد تلاشي براي تعيين پارامترهاي شكلي جستجو صورت گيرد. كتابها و مجلات هنوز معمولترين ماده براي اكثر جستجوها مي‌باشند. كتابها به گزارش كنفرانسها، تك‌نگاشتها، كتابهاي درسي (در اينجا منظور كتابهاي درسي براي دانش‌آموزان مبتدي است كه حوزة وسيعي از دانش را دربر مي‌گيرد) و آثار مرجع (مثلاً واژه‌نامه‌هاي موضوعي) تقسيم مي‌شود. دو گروه عمده از مجلات عبارتند از:

1- مجلات حرفه‌اي (كه سازمانهاي رسمي، اطلاعات حرفه را براي كل اجزا حرفه بسته‌بندي و ارائه مي‌كنند.)

2- مجلات پژوهشي.

نبايد انتظار داشت كه اين دو گروه از جامعيت برخوردار باشند، بلكه آنها بيشتر منابع اصلي اطلاعات در جستجوهاي نيمه‌دقيق هستند. متغيرهايي همچون ماهيت موضوع و سطح علمي جستجوگر، محدودگرهاي رسمي را ديكته مي‌كنند. تأكيد الگوي جستجوي ما بر نوشته‌هاي مندرج در مجلات پژوهشي است اما ممكن است همچنين به تعاريفي اساسي از «كيفيت زندگي» و مفاهيمي هم‌ريشه، مثلا در واژه‌نامه‌هاي روانشناسي، نياز باشد. منابع الكترونيكي، از جمله اينترنت را نيز مي‌توان توصيه كرد.

(1) محدودگر زباني: در پايگاههاي اطلاعاتي كه منابع با زبانهاي متفاوت قابل جستجو هستند، كاربر محدودگر زباني از اهميت ويژه‌اي برخوردار است. در كتابخانه‌هاي ايران بويژه در سطوح كارشناسي، گاه محدودكردن فرمول جستجو به زبان فارسي ضروري است.

كاربرهاي گوناگون منابع اطلاعاتي را مي‌توان در چارچوب مفهومي آشنا در حوزه كتابداري و علم اطلاع‌رساني نشان داد. «زنجيرة اطلاعاتي[14]» نموداري است از رشد يك مورد اطلاعات علمي از مرحله ظاهر شدن به عنوان يك مقالة پژوهشي در يك كنفرانس تا مطرح شدن و راهيابي نهايي آن در كتابهاي درسي و واژه‌نامه‌ها. اين نمودار زماني را مي‌توان در چارچوبي از منابع اوليه و منابع ثانويه[15] بهتر درك كرد. منبع اوليه، منبعي است كه اطلاعات تازه‌اي دربرداشته، بوسيلة پژوهشگر يا پژوهشگران اصلي تأليف شده و قبلاً در جاي ديگري چاپ نشده باشد. اين‌گونه آثار در مجلات پژوهشي كه در ابتداي زنجير اطلاعاتي انتقال دانش به ديگران قرار دارند چاپ مي‌شود.

منبع ثانويه، منبعي است كه در آن نويسنده يا نويسندگان ديگري اطلاعات منبع اوليه را گزارش مي‌كنند، نقد مي‌نمايند، به آگاهي عموم مي‌رسانند و يا دوباره مورد پردازش قرار مي‌دهند، مثل مجلات حرفه‌اي و كتابهاي درسي (در اين چارچوب، ابزارهاي كتابشناختي منابع رديف سوم ناميده مي‌شوند). آموزنده است كه منابع اوليه و ثانويه را به زنجيرة اطلاعاتي تحميل كنيم (يا بالعكس) همانطوريكه در تصوير ديده مي‌شود (يادداشت مترجم: توجه شود كه عبارت زنجيره اطلاعاتي هم مي‌تواند در بالا و هم مي‌تواند در پائين انواع منابع و مآخذ قرار گيرد. پژوهش به اتكاي منابع پائين ببالا انجام مي‌شود، اما حركت گزارش تحقيق از بالا به سمت پائين حركت مي‌كند).

مرحلة چهارم: منابع جستجوي اطلاعات

پس از طي اين مقدمات، شخص آماده است كه منابع اطلاعاتي را جستجو نمايد. بديهي است فهرست كتابخانه ابزار اصلي براي بازيابي منابع است. در حال حاضر نيز شبكه‌ها بطور روزافزوني دسترسي به موجودي ديگر كتابخانه‌ها را در منطقه‌اي گسترده فراهم مي‌كنند، گرچه، بايد توجه داشت كه اين نظامها فقط و فقط زماني مفيدند كه خدمات امانت بين كتابخانه‌اي بطور مؤثر و آزاد صورت گيرد. ساير ابزارهاي كتابشناختي، مانند نمايه‌هاي موضوعي، نمايه‌ها و چكيده‌هاي اداري عليرغم ضرورت استفاده در اكثر جستجوها، در بسياري از موارد براي آنهايي كه از تحت آموزش مهارتهاي اطلاعاتي قرار نگرفته‌اند. كاملاً ناشناخته مي‌باشد. در كتابخانه‌هاي الكترونيكي، چنين ابزارهايي شكل پايگاه اطلاعاتي كتابشناختي به خود مي‌گيرد. در كتابخانه‌هاي دانشگاهي مجهز به فن‌آوري اطلاعات، مرحلة 4 بطور عمده مسؤوليتي است كه نه بر دوش يك واسطه[16]، بلكه بر عهدة خود جستجوگر است.

مرحلة پنجم: ثبت و ارزيابي منابع و مآخذ

سرانجام، هنگاميكه جستجو انجام گرفت، مآخذ كتابشناختي بايد در شكل و قالبي استاندارد ثبت شود. در اين مرحله، ممكن است به يك شيوه‌نامه (Terbille، 1990) و خدمات آموزش كتابشناختي، اگر در دسترس باشد، نياز داشته باشيم. سپس مهارتهاي ارزيابي وارد صحنه مي‌شود. با فرض به اينكه همة منابع اطلاعاتي به يك شكل ساخته نشده‌اند، به منظور متمايز ساختن منابع و مآخذ، تفكر انتقادي از ضروريات مسلم است. فرمول «كميت- ارتباط- اعتبار- كيفيت[17]» (QRAQ) ابزار سادة تفكر انتقادي است كه مي‌تواند كار ارزيابي را آسان نمايد. QRAQ كلمه‌اي است كه از حرف اول كلمات كميت، ارتباط، اعتبار و كيفيت بوجود آمده است (Lancour، 1978)، معيارهاي لازم براي ارزيابي منابع كتابشناختي را ارائه مي‌دهد:

1/ كميت:

\* چه تعداد منابع براي اين موضوع لازم است؟

\* گستردگي اطلاعاتي تا چه حدي است؟

2/ ارتباط (مناسبت):

\* ارتباط محتواي موضوعي منبع تا چه اندازه است؟

\* سطح تعقلي منبع اطلاعاتي چيست؟

\* منبع مربوطه تا چه اندازه جديد است؟

3/ اعتبار:

\* نويسندة منبع اطلاعاتي تا چه اندازه از شايستگي لازم برخوردار است؟

\* منبع اطلاعاتي متعلق به كدام كشور است؟

\* نويسنده وابسته به كدام سازمانها است؟

4/ كيفيت:

\* آيا منبع مربوطه جزو منابع اوليه است يا ثانويه؟

\* آيا ناشر منبع اطلاعاتي مشهور است؟

\* آيا منبع داراي فهرستي از اطلاعات كتابشناختي براي مطالعه بيشتر مي‌باشد؟

هر روش ارزيابي كه مورد استفاده واقع شود، بازهم جستجوگران بايد بدانند كه جستجوي متن كاري اكتشافي و فرآيندي تعاملي است كه، با توجه به ارزيابي نتايج آن، غالباً (و نه هميشه) احتياج به طراحي مجدد استراتژي جستجو دارد.

نتيجه

اصول اساسي جستجوي نطام‌يافته متون در جامعة اطلاعاتي (جامعه‌اي كه در آن اطلاعات جديد و فن‌آوري ارتباطات فراگير است) منسوخ نخواهد شد بالعكس، آموزش در اين موارد و ديگر مهارتهاي اطلاعاتي مي‌رود كه بطور فزاينده جنبه‌آي از رسالت آموزشي متخصصان اطلاع‌رساني قلمداد شود. الگويي كه در اينجا توصيف شده، آموزش مهارتهاي اساسي جستجوي متون را در چارچوب كتابداري و اطلاع‌رساني تشكيل مي‌دهد. كارايي و تأثير اين الگو بطور مؤثري در عرصة آموزش كتابشناختي در محيط دانشگاهي آزمايش شده است.

References

1. Malley, I., The Basics of Information Skills Teaching, Clive Bingley, London, 1984.

1. Huston, M.M., “Search theory and instruction for end Users of online bibliographic information retrieval systems: a literature review”, Research Strategies: A Journal of Library Concepts and Instruction. Vol. 7 No. 1, 1989, PP. 14-32.

2. Kobelski, P. and Reichel, M., “Conceptual frameworks for bibliographic instruction”. The Journal of Academic Librarianship, vol. 7. No. 2, 1981, PP. 73-7.

3. Terbille, C. “Students and rules of style for reference citations”. Libri, Vol. 40. No, 3, 1990, PP. 242-54.

4. Compare ASTAFS, a tool for evaluating reference works, discussed in kent, A., Lancour, H. and Daily, J.E. (Eds), Encyclopedia of library and information Science, Vol. 25, Marcel Dekker, New York, NY, 1978, PP. 146-8.

--------------------------------------------------------------------------------

[1]. Literature Search

[2]. Invisible college

[3]. Search terms

[4]. Conceptual taxonomy

[5]. Logical Search Statement

[6]. Boolean Operators

[7]. Truncation

[8]. Spatial parameters

[9]. Temporal parameters

[10]. Disiplinary parameters

[11]. Formal parameters

[12]. در متن اصلي زبان وجود نداشت، چون اين محدودگر در كتابخانه‌هاي ايران بااهميت است، پاراگرافي درباره آ، به متن مقاله اضافه شود.

[13]. Bibliometric maps

[14]. Information chain

[15]. Primary and Secondary Sources

[16]. Imermediary

[17]. Quantity- Relevance- Authority- Quality